

یادداشت

جرا دادنامه دیوان عدالت، انتخابات نظام مهندسی معدن اصفهان را با تکیه بر خطای دستگاه ناظر باطل کرد؟

وقتی خطای مجری تاوان صندوق رأی می شود

مهرداد احمدی

کارشناس ارشد معادن و صنایع معدنی

نزدیک به سه سال پس از برگزاری انتخابات هشتمین دوره هیئت‌مدیره سازمان نظام مهندسی معدن استان اصفهان، دادنامه‌ای قطعی، نتیجه این انتخابات را ابطال کرده است. اما در متن همین رای، عبارتی وجود دارد که پرسشی جدی و قابل تأمل را پیش‌روی جامعه حقوقی و حرفه‌ای قرار می‌دهد: شعبه ۳۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تصریح کرده: «این تخلف از ناحیه دستگاه ناظر نیز صورت گرفته است». پرسش اینجااست: اگر ایراد احراز شده، ناظر بر نحوه تشکیل هیئت اجرایی بوده و خود رای نیز منشا این تخلف را در اقدام اداره کل صمت اصفهان دانسته است، رابطه حقوقی و عینی این تخلف با آرای مأخوذه، فرایند رأی‌گیری و نتیجه نهایی انتخابات دقیقاً چگونه احراز شده است؟ این پرسش، دفاع از هیچ شخص یا نهادی نیست؛ پرسش درباره مرز میان تخلف در فرایند اداری و بی‌اعتباری نتیجه یک فرایند انتخاباتی است.

سه گزاره‌ای که نباید یکی گرفته شوند

در این پرونده آمده‌ست سه گزاره متفاوت وجود دارد: نخست، آیا هیئت اجرایی مطابق ضوابط قانونی تشکیل شده است یا خیر؟ دوم، اگر تشکیل هیئت اجرایی با ایراد قانونی مواجه بوده، آیا تمام اقدامات آن هیئت به‌طور مطلق فاقد اثر حقوقی است؟ و سوم، آیا این ایراد به اندازه‌ای در فرایند انتخابات اثرگذار بوده که نتیجه نهایی آرای اعضای سازمان را نیز مخدوش و مستوجب ابطال کل انتخابات کند؟ دادنامه مورد بحث، گزاره نخست را مبنای استدلال خود قرار داده و از آن به بی‌اعتباری اقدامات هیئت اجرایی رسیده است؛ اما نقطه‌ای که بیش از همه نیازمند تبیین است، فاصله میان گزاره دوم و سوم است. اثبات تخلف در تشکیل مرجع برگزارکننده، یک گزاره است، اثبات سرایت آن تخلف به نتیجه صندوق، گزاره‌ای دیگر، فاصله میان این دو گزاره، همان نقطه‌ای است که رأی باید آن را بر کند.

ایراد مؤثر؛ مؤثر بر چه چیزی؟

در دادنامه آمده‌ست ایراد موجود «مؤثر» بوده است؛ زیرا اقدامات هیئت غیرقانونی نمی‌تواند واجد اثر قانونی باشد. اما واژه «مؤثر» در یک پرونده انتخاباتی، پرسش مهم‌تری ایجاد می‌کند: مؤثر بر کدام بخش از انتخابات و با چه سازوکاری؟ آیا در رای احراز شده نحوه تشکیل هیئت اجرایی موجب تضییع حق رای اعضا شده است؟ آیا احراز شده صلاحیت نامزدی فرد یا افرادی برخلاف قانون تأیید یا رد شده است؟ آیا نحوه رای‌گیری، شمارش آرا یا اعلام نتیجه تحت تأثیر همین ایراد قرار گرفته است؟ یا اینکه صرفاً نتیجه گرفته شده چون هیئت اجرایی با ایراد قانونی تشکیل شده، اقدامات آن نیز فاقد اثر قانونی است و در نتیجه، انتخابات باید باطل شود؟ اینها پرسش‌هایی مستقل از اصل وجود تخلف هستند. در متن دادنامه‌ای که مبنای این گزارش است، استدلال اصلی بر نحوه تشکیل هیئت اجرایی متمرکز شد و چگونگی اثرگذاری مشخص این ایراد بر آرای مأخوذه و نتیجه نهایی انتخابات به تفصیل تبیین نشده است. همین نقطه، مهم‌ترین محل تأمل حقوقی پرونده است.

هیئت غیرقانونی و صندوق مخدوش، یک مفهوم نیستند

فرض کنیم ایراد در تشکیل هیئت اجرایی محرز باشد. از نظر حقوقی، اهمیت این تخلف محل بحث نیست، قانون برای تشکیل مرجع اجرایی انتخابات ضابطه تعیین کرده و رعایت آن نمی‌تواند امری تشریفاتی تلقی شود. اما از این مقدمه تا نتیجه «ابطال انتخابات»، یک مرحله استدلالی مهم وجود دارد. مرجع برگزارکننده و نتیجه‌ای که از صندوق رای به دست آمده، دو موضوع مرتبط اما یکسان نیستند. ممکن است یک مرجع اداری در نحوه تشکیل خود مرتکب تخلف شده باشد، اما برای بی‌اعتبار دانستن نتیجه یک انتخابات، این پرسش همچنان باقی است که آیا تخلف مزبور به خود فرایند رأی‌گیری و نتیجه آن نیز سرایت کرده است یا خیر. به بیان ساده‌تر: اثبات خطای مجری، با اثبات مخدوش‌بودن صندوق یکی نیست. اگر قرار باشد هر ایراد در مرحله تشکیل مرجع برگزارکننده، بدون تبیین اثر آن بر رای و نتیجه، به ابطال کل انتخابات منتهی شود، باید مبنای حقوقی این سربایت به‌صراحت و با استدلال روشن توضیح داده شود.

بارادوکس پرونده: خطا از ناظر، پیامد برای انتخابات

شاید مهم‌ترین بخش دادنامه، نه در استدلال پایانی، بلکه در توصیف منشا تخلف آن نهفته باشد. شعبه ۳۲ تجدیدنظر تصریح کرده است این تخلف «از ناحیه دستگاه ناظر نیز صورت گرفته» و از «اقدام غیرقانونی اداره کل صمت اصفهان» سخن گفته است. اینجا یک پرسش حقوقی و مدیریتی شکل می‌گیرد: اگر دستگاه ناظر در تعیین اعضای هیئت اجرایی مرتکب تخلف شده باشد، آیا باید آثار این تخلف بدون بررسی مستقل رابطه آن با آرای را‌ی‌دهندگان، مستقیماً متوجه اعتبار انتخابات شود؟ این پرسش از یک رو اهمیت بیشتری پیدا می‌کند: مسئولیت فرایند را نمی‌توان از مسئولیت خطای فرایند جدا کرد. وقتی یک دستگاه دولتی در جایگاه ناظر، در مرحله تشکیل مرجع اجرایی مرتکب ایراد می‌شود، باید روشن باشد چرا پیامد نهایی این تخلف باید به بی‌اعتباری آرای منتهی شود که توسط اعضای یک سازمان حرفه‌ای به صندوق ریخته شده‌اند. این موضوع به معنای نادیده‌رفتن تخلف دستگاه ناظر نیست؛ برعکس، دقیقاً به این دلیل که تخلف در سطح ناظر رخ داده، لازم‌است آثار حقوقی آن با دقت بیشتری تفکیک شود.

ماده ۱۳ قانون نظام مهندسی معدن چه می‌گوید؟

ماده ۱۳ قانون نظام مهندسی معدن، وظیفه تعیین صلاحیت داوطلبان عضویت در هیئت‌مدیره و برگزاری انتخابات هر استان را بر عهده هیئت‌های اجرایی استان قرار داده و چگونگی انتخاب و تشکیل این هیئت‌ها و نحوه نظارت بر آنها را به آیین‌نامه اجرایی واگذار کرده است. بنابراین، رعایت مقررات مربوط به تشکیل هیئت اجرایی، موضوعی واقعی و حقوقی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اما ماده ۱۳ به‌تنهایی پاسخ این پرسش را نمی‌دهد که هر ایراد در تشکیل هیئت اجرایی، الزاماً و در هر شرایطی مساوی با بی‌اعتباری تمام آرای انتخابات است. اینجا همان حلقه‌ای مطرح می‌شود که نیازمند استدلال دقیق است: رابطه میان تخلف در تشکیل مرجع اجرایی و مخدوش‌شدن نتیجه انتخابات.

ماده ۷۱ چه می‌گوید و چه نمی‌گوید؟

دادنامه با استناد به ماده ۷۱ قانون دیوان عدالت اداری، رأی شعبه بدوی را نقض و پس از پذیرش تجدیدنظرخواهی، حکم صادر کرده است. ماده ۷۱، ناظر بر اختیار شعبه تجدیدنظر در صورت واردانستن تجدیدنظرخواهی برای نقض رأی بدوی و رسیدگی ماهوی است. اما نکته مهم این است که ماده ۷۱ خود، معیار ماهوی ابطال یک انتخابات را تعیین نمی‌کند، بلکه چار‌چوب اقدام شعبه تجدیدنظر پس از وارددانستن تجدیدنظرخواهی را مشخص می‌کند. بنابراین، استناد به ماده ۷۱، پاسخ مستقنی به این پرسش نیست که چرا ایراد مورد اشاره به ابطال کل انتخابات منجر نشود. معیار ماهوی این ابطال باید از مجموعه مقررات حاکم بر انتخابات نظام مهندسی معدن و استدلالی که رابطه میان تخلف و نتیجه را اثبات می‌کند، قابل فهم باشد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

فاینانس؛ یک پروژه در بحبوحه جنگ

بعد از ۲۰ سال، ایران LNG دوباره احیامی شود



هدف نخست: ۱.۲ میلیون تن LNG

برنامه اعلام‌شده برای احیای پروژه نیز نسبت به طرح اولیه تغییر کرده است. هدف اولیه شرکت در اسناد مهندسی، تولید سالانه ۲.۵ میلیون تن LNG بود و در کنار آن تولید حدود ۸۸۰ هزار تن LPG، حدود ۴۲۰ هزار تن میعانات گازی و ۳۳۰ هزار تن گوگرد نیز پیش‌بینی شده بود. اما در برنامه جدید، هدف‌گذاری تولید سالانه حدود ۱.۲ میلیون تن LNG است. همچنین تولید حدود ۴۴۰ هزار تن LPG و دیگر محصولات جانبی نیز در دستور کار قرار گرفته است. این کاهش ظرفیت را می‌توان بخشی از تغییر سناریوی اجرایی پروژه دانست؛ یعنی به‌جای انتظار برای تکمیل تمام ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در طرح اولیه، بخشی از پروژه زودتر وارد مدار شود و ایران بالاخره نخستین‌گام عملی خود را در تولید LNG بردارد. هم‌زمان شرکت قصد دارد از بخشی از تجهیزات موجود پروژه پیش از رسیدن به تولید LNG نیز استفاده کند. یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها، شیرین‌سازی روزانه حدود ۲۸ میلیون مترمکعب گاز ترش و بازگرداندن آن به شبکه سراسری گاز کشور است.

به گفته مدیرعامل شرکت، موافقت‌های اصولی و مکاتبات لازم با شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی انجام شده و دو ترن شیرین‌سازی برای این منظور در نظر گرفته شده است. در صورت اجرای این برنامه، بخشی از سرمایه و تجهیزات موجود در پروژه پیش از تکمیل واحد LNG نیز وارد چرخه عملیاتی خواهد شد و می‌تواند به تأمین گاز شبکه کمک کند.

مشتری قبل از تولید

یکی دیگر از بخش‌های برنامه جدید ایران LNG، تلاش برای پیداکردن بازار پیش از آغاز تولید است. مدیرعامل شرکت می‌گوید بازار جهانی LNG را نمی‌توان بازاری اشباع‌شده دانست و کشورهای متعددی همچنان به واردات این حامل انرژی وابسته‌اند. به گفته نوروزی‌مصیر، با وجود اینکه ایران هنوز تولید LNG را آغاز نکرده، برخی کشورها برای خرید محصول آینده پروژه مکاتبات و مذاکرات اولیه‌ای داشته‌اند. به همین دلیل شرکت بررسی بازارهای هدف و مشتریان بالقوه را به زمان تکمیل پروژه موکول نکرده است. هم‌زمان ورود به حوزه تریدینگ LNG نیز در دستور کار تیم‌های فنی و سرمایه‌گذاری قرار گرفته است. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که حضور در بازار LNG فقط به داشتن کارخانه مایع‌سازی محدود نیست؛ شناخت بازار، قراردادهای فروش، مشتریان، سازوکار تجارت و ایجاد مسیر پایدار عرضه نیز بخشی از زنجیره‌ای است که باید هم‌زمان با ساخت تأسیسات شکل بگیرد. ایران اگر پس از دو دهه واقعاً قصد ورود به این بازار را دارد، نمی‌تواند ابتدا کارخانه را بسازد و بعد تازه به فکر مشتری باشد. بازار LNG در فاصله بین ۲۰ سال حرفه‌ای‌تر، پیچیده‌تر و رقابتی‌تر شده است و پروژه ایران باید در کنار حل مسئله فنی و مالی، مسئله بازار را نیز از همین امروز حل کند.

۳۶ ماه برای پایان یک انتظار ۲۰ساله

ایران LNG اکنون بار دیگر در نقطه‌ای ایستاده که سال‌ها پیش باید از آن عبور می‌کرد. میلیارد‌ها یورو سرمایه‌گذاری انجام شده، بخش بزرگی از زیرساخت پروژه وجود دارد، منابع مالی تازه‌ای برای ادامه کار در نظر گرفته شده و مدیریت شرکت می‌گوید سناریویی برای رسیدن به تولید طی ۳۶ ماه طراحی کرده است. اما اهمیت این ۳۶ ماه بسیار بیشتر از زمان‌بندی یک پروژه صنعتی است. در پایان این دوره باید مشخص شود آیا ایران سرانجام می‌تواند پس از دو دهه انتظار وارد بازار LNG شود یا نه. در تمام سال‌هایی که ایران LNG متوقف ماند، جهان منتظر ایران ننماند. LNG به یکی از ارکان تجارت جهانی گاز تبدیل شد، تولیدکنندگان تازه وارد بازار شدند، مصرف‌کنندگان مسیرهای مالی خود را متنوع کردند و قراردادهای زیرساخت‌های جدیدی شکل گرفت. ایران اما با وجود برخورداری از منابع عظیم گاز، همچنان بیرون این بازار ایستاده است.

نوروزی‌مصیر معتقد است توسعه LNG نباید فقط مطالبه یک شرکت یا مدیر باشد و باید به موضوعی جدی برای سیاست‌گذاران، متخصصان و صنعت انرژی کشور تبدیل شود. شاید پس از ۲۰ سال، پرسش اصلی دیگر این نباشد که ایران چرا باید LNG تولید کند؛ پرسش این است که چرا کشور را با چنین گاز تازی، دو دهه فرصت حضور در یکی از مهم‌ترین بازارهای انرژی جهان را از دست داده و این بار چگونه می‌خواهد از تکرار همان سرنوشت جلوگیری کند؟ پس از نزدیک به ۲۰ سال، ساعت ایران LNG دوباره به حرکت درآمده است. این بار روی این ساعت عدد ۳۶ ماه نوشته شده؛ ۳۶ ماه برای احیای پروژه‌ای که میلیارد‌ها یورو سرمایه در آن خوابیده، ۳۶ ماه برای تولید نخستین LNG و ۳۶ ماه برای آزمون این ادعا که یکی از طولانی‌ترین پروژه‌های معطل‌مانده صنعت انرژی ایران سرانجام قرار است از دوران انتظار خارج شود.

را در داخل کشورهای خود توضیح دهند. از میان این متغیرها می‌توان دو «عدم قطعیت بحرانی» را انتخاب کرد: نخست، افزایش یا کاهش انرژی داخلی ادامه جنگ برای دولت آمریکا و دوم، موقعیتی یا شکست مسیر دیپلماتیک. از ترکیب این دو عدم قطعیت، چهار آینده متفاوت پدیدار می‌شوند. اگر هزینه جنگ در داخل آمریکا افزایش یابد و هم‌زمان کانال دیپلماتیک مؤثری شکل بگیرد، امکان خروج کنترل‌شده از جنگ افزایش پیدا می‌کند. اگر فشار داخلی افزایش یابد اما دیپلماسی به نتیجه نرسد، ممکن است واشینگتن به سمت کاهش شدت عملیات مستقیم در کنار ادامه فشار اقتصادی و امنیتی حرکت کند؛ وضعیتی که می‌توان آن را تعلیق پرتنش نامید: نه جنگ تمام‌عیار و نه صلح. اگر مذاکرات شکست بخورد و دولت آمریکا هزینه سیاسی ادامه جنگ را همچنان قابل مدیریت بداند، مذاکرات تشدید محاصمه همچنان یکی از آینده‌های ممکن باقی می‌ماند. سرانجام، ممکن است مذاکرات آغاز شود، اما طرفین تصمیم‌های اصلی را تا روشن‌شدن موازنه سیاسی پس از انتخابات به تعویق بیندازند؛ چیزی شبیه مذاکره در سایه انتخابات. نکته اساسی این است که آینده‌پژوه قرار نیست از میان این چهار سناریو یکی را به عنوان پیشگویی انتخاب کند؛ سناریوها باید به ما بگویند برای تشخیص حرکت واقعیت به سمت هرکدام، چه علائمی را باید زیر نظر گرفت.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

شماره: ۲۲۹۱۱۵۵

مزایده عمومی

اجاره پنج باب مغازه و دو باب ساختمان شهرداری یزد

شهرداری یزد در نظر دارد مزایده عمومی اجاره پنج باب مغازه و دو باب ساختمان شهرداری یزد را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا افراد واجد شرایط در صورت تمایل می توانند در مزایده مذکور شرکت و نرخ پیشنهادی خود را اعلام نمایند. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۷/۲۸

زمان بازگشایی پاکتها: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:

مبلغ سیزده یا ضمانت شرکت در مزایده به میزان ۱۰ (ده) درصد کل قیمت

خبر

مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی پرداخت نشد

واردکنندگان کالاهای اساسی گزارش می‌دهند با گذشت حدود ۹ ماه از مطالبات ارزی بخش خصوصی، دولت همچنان اقدام مؤثری برای تسویه این مطالبات انجام نداده است؛ مطالباتی که رقم آن به حدود ۴۰۰۷ میلیارد یورو می‌رسد. به گزارش «شرق»، واردکنندگان کالاهای اساسی توضیح می‌دهند این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که حدود سه ماه پیش، رئیس‌جمهور در جمع وزرا و مسئولان مربوطه به‌صراحت بسر پرداخت هرچه سریع‌تر این مطالبات تأکید کرد؛ اما با وجود این دستور، نه‌تنها تسویه مطالبات انجام نشده، بلکه هیچ‌یک از وزرا و مسئولان مربوطه نیز مسئولیت حل این مسئله را برعهده نگرفته‌اند و گام مؤثری برای تسویه آن برنداشته‌اند. آنها تأکید کردند این وضعیت در شرایطی ادامه دارد که بخش عمده‌ای از واردات و تأمین کالاهای اساسی و مواد غذایی کشور بر عهده بخش خصوصی است. حتی مسئولان دولتی بارها تأکید کرده‌اند یکی از عوامل حفظ امنیت غذایی کشور در دوران جنگ، حضور فعال بخش خصوصی و تأمین به‌موقع کالاهای اساسی و مواد غذایی بوده است. حالا اما همان بخشی که در سخت‌ترین شرایط بار تأمین کالا را به دوش کشیده، ماه‌هاست برای دریافت مطالبات خود منتظر مانده است. به گفته تاجار کالاهای اساسی، تعلل در پرداخت مطالبات بخش خصوصی فقط یک مسئله مالی نیست؛ این تعلل به‌طور مستقیم توان واردات، تولید و تأمین کالاهای اساسی را هدف قرار می‌دهد. وقتی سرمایه بخش خصوصی قفل شود، نقدبندی لازم برای واردات بعدی و تأمین مواد اولیه کاهش پیدا می‌کند و نتیجه آن می‌تواند کاهش تولید، اختلال در زنجیره تأمین و در نهایت به خطر افتادن امنیت غذایی کشور باشد و بنابراین دولت باید پاسخ‌گو باشد چرا سرمایه بخشی که مسئولان نقش آن را در حفظ امنیت غذایی کشور تأیید کرده‌اند، باید ماهه بابت بابت‌کلیف بماند؟

ماجرای واردات گوشت اسب والاغ چه بود؟

اخیرا نامه‌ای از سازمان دامپزشکی کشور با موضوع «کشتار و عرضه گوشت تک سمیان» خطاب به مدیران کل دامپزشکی استان‌ها در فضای مجازی منتشر شده که واکنش‌ها و ابهاماتی را دربارۀ صدور مجوز عرضه این نوع گوشت در بازار به دنبال داشته است. به گزارش ایسنا، در این نامه، با اشاره به استعلام برخی ادارات کل دامپزشکی استان‌ها درباره کشتار و عرضه گوشت تک سمیان، ازجمله اسب، استر و الاغ، تأکید شده هروگونه تصمیم‌گیری درباره تولید، کشتار و عرضه داخلی یا صادرات این محصولات مستلزم طی‌شدن مراحل قانونی و بررسی‌های مختلف است. در همین زمینه، علیرضا اکبرشاهی، سرپرست معاونت بهداشت، پیشگیری و ایمنی غذایی سازمان دامپزشکی کشور، با رد برداشت‌های مطرح‌شده درباره صدور مجوز کشتار و عرضه گوشت تک سمیان اظهار کرد: این موضوع در حد یک درخواست اولیه از سوی برخی اقلیت‌های دینی در تعدادی از استان‌ها مطرح شده است. این افراد از نظر اعتقادی برای مصرف این نوع گوشت محدودیتی ندارند و درخواست کرده‌اند امکان صدور مجوز رسمی برای کشتار و مصرف آن در محل‌های مشخص بررسی شود. تاکنون نه مجوزی در این زمینه صادر، نه موافقتی شده و نه حتی جلسه‌ای برای تصمیم‌گیری درباره آن برگزار شده است.

شماره: ۲۲۹۱۱۵۵

مزایده عمومی

اجاره پنج باب مغازه و دو باب ساختمان شهرداری یزد

شهرداری یزد در نظر دارد مزایده عمومی اجاره پنج باب مغازه و دو باب ساختمان شهرداری یزد را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا افراد واجد شرایط در صورت تمایل می توانند در مزایده مذکور شرکت و نرخ پیشنهادی خود را اعلام نمایند. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۷/۲۸

زمان بازگشایی پاکتها: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:

مبلغ سیزده یا ضمانت شرکت در مزایده به میزان ۱۰ (ده) درصد کل قیمت

از پیش‌بینی به سناریو

همین‌جا تفاوت میان تحلیل روزمره سیاسی و حکمرانی آینده‌پژوه آشکار می‌شود. تحلیل روزمره معمولاً می‌پرسد: چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آینده‌پژوهی راهبردی می‌پرسد: چه اتفاق‌هایی می‌تواند رخ دهد و برای هرکدام تا چه اندازه آماده‌ایم؟ این تفاوت فقط معنایی نیست؛ تفاوت در روش است. در چار‌چوب‌های رسمی آینده‌نگاری، از جمله Futures Toolkit دفتر علوم دولت بریتانیا و مانند پویش افق یا Horizon Scanning، شناسایی پیش‌ران‌ها، سناریونویسی و Policy Stress-Testing برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت توصیه می‌شوند. هدف آنها پیش‌بینی دقیق آینده نیست؛ هدف طراحی سیاست‌هایی است که در برابر چند آینده متفاوت تاب‌آور باشند. اگر همین‌روش را درباره ایران و آمریکا به کار بگیریم، ابتدا باید «پیش‌ران‌ها» را مشخص کنیم. در سمت آمریکا، مهم‌ترین پیش‌ران‌ها می‌توانند شامل وضعیت افکار عمومی، قیمت انرژی، هزینه مالی جنگ، موضع جمهوری‌خواهان کنکره، آرایش آینده مجلس و سنا و محاسبات شخص ترامپ باشند. در سطح منطقه‌ای، وضعیت تنگه هرمز، توان اراده طرفین برای ادامه عملیات، رفتار کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت انرژی اهمیت پیدا می‌کند. در سطح دیپلماتیک، مهم‌ترین پرسش، وجود یا فقدان یک کانال مذاکراتی معتبر و امکان رسیدن به توافقی است که طرفین بتوانند آن

از پیش‌بینی به سناریو

همین‌جا تفاوت میان تحلیل روزمره سیاسی و حکمرانی آینده‌پژوه آشکار می‌شود. تحلیل روزمره معمولاً می‌پرسد: چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آینده‌پژوهی راهبردی می‌پرسد: چه اتفاق‌هایی می‌تواند رخ دهد و برای هرکدام تا چه اندازه آماده‌ایم؟ این تفاوت فقط معنایی نیست؛ تفاوت در روش است. در چار‌چوب‌های رسمی آینده‌نگاری، از جمله Futures Toolkit دفتر علوم دولت بریتانیا و مانند پویش افق یا Horizon Scanning، شناسایی پیش‌ران‌ها، سناریونویسی و Policy Stress-Testing برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت توصیه می‌شوند. هدف آنها پیش‌بینی دقیق آینده نیست؛ هدف طراحی سیاست‌هایی است که در برابر چند آینده متفاوت تاب‌آور باشند. اگر همین‌روش را درباره ایران و آمریکا به کار بگیریم، ابتدا باید «پیش‌ران‌ها» را مشخص کنیم. در سمت آمریکا، مهم‌ترین پیش‌ران‌ها می‌توانند شامل وضعیت افکار عمومی، قیمت انرژی، هزینه مالی جنگ، موضع جمهوری‌خواهان کنکره، آرایش آینده مجلس و سنا و محاسبات شخص ترامپ باشند. در سطح منطقه‌ای، وضعیت تنگه هرمز، توان اراده طرفین برای ادامه عملیات، رفتار کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت انرژی اهمیت پیدا می‌کند. در سطح دیپلماتیک، مهم‌ترین پرسش، وجود یا فقدان یک کانال مذاکراتی معتبر و امکان رسیدن به توافقی است که طرفین بتوانند آن